



شماره ۹۸ دوره هشتم
سال دوم ۲۸ فروردین ۱۳۶۵
بها ۲۰ ریال

سیاست مطبوعاتی رژیم "ولایت فقیه"

روزنامه "کیهان" در ستون "گذری و نظری" از یک "شبکه" خبری-راکنی سخن به میان می‌آورد که "شخصیت متفاوتی دارد". نویسنده، برسبیل کجدار و مریض پای "خبرگزاری جمهوری اسلامی" را به میان می‌کشد که با داشتن "نقش اساسی" در انتقال خبر به رسانه‌های گروهی، کار مطبوعات مجازا "مشکل" می‌کند، خبرنگاران روزنامه‌های دارای تیراژ بالا به منابع اصلی خبر دسترسی ندارند و نمی‌توانند "روی پای خودشان بایستند"، هر خبر باید از صافی خبرگزاری یادشده بگذرد و مطبوعات ناگزیر هستند که خبرها را بطور غیرمستقیم و "وابسته" دریافت و منتشرکنند.

نویسنده براین نکته تاکید می‌ورزد که "خبرگزاری جمهوری اسلامی با خصوصیت خاص خود برای بسیاری از مقامات و دست اندرکاران بقیه در ص ۲

خطر!

جاده لغزنده و شب تاریکست.
بر فراز دره ره باریکست.
رهگذرا!
در چنین گردنه صعب و چنان تنگه هول
با چراغی که نفس می‌رودش دمبدم
از یورش باد
کج نیفتی به چپ و راست، خطرا!
سیاوش کسرائی
۹ بهمن ماه - ۱۳۶۴

به پیشواز روز اول ماه مه برویم

روز اول ماه مه، روز جشن و همبستگی رزمی کارگران و زحمتکشان جهان نزدیک می‌شود. در کشورهای سوسیالیستی و شورایی که در آنها زحمتکشان از حق و آزادی تشکل و گردمایی برخوردارند، هفته هاست که کارگران سرگرم تدارک برگزاری جشن بزرگ اول ماه مه هستند. در کشور ما نیز، با وجود فرمانروایی رژیم ترور و اختناق پلیسی، کارگران آگاه و قهرمان ما بی‌کار ننشسته‌اند. آنها نیز با روشنگری و تلاش های سازمانگرا در بین همزنجیران طبقاتی خود آماده می‌شوند تا روز اول ماه مه را با محتوای انقلابی و رزمجویانه برگزار کنند.

روز اول ماه مه، روز تجلی همبستگی جهانی طبقه کارگر، روز نمایش قدرت اردوی کار در برابر سرمایه است. در این روز طبقه کارگر ایران می‌تواند توانمندی شگرف و آگاهی طبقاتی خود را در پیوند با طبقه کارگر پیروزمند در کشورهای سوسیالیستی و همچنین دیگر کردان های کارگران و زحمتکشان - در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته و در حال رشد - به تماشا بگذارد. از اینرو، رژیم جمهوری اسلامی همانند دیگر رژیم های واپسگرا و کارگرسنیز با بسیج همه امکانات خود تلاش می‌ورزد تا محتوای همبستگی انقلابی و پیکارجویانه زحمتکشان در اول ماه مه را مسخ کند و در بهترین حالت می‌کوشد تا یک جشن فرمایشی برگزار کند و در جهت اهداف ضد مردمی خود از آن بهره برداری نماید. طبقه کارگر ایران در چهارسال گذشته شاهد برگزاری چنین نمایش های سرد و بی رونقی بوده است. به راه انداختن مراسم نمایشی و فرمایشی اول ماه مه از سوی رژیم های خودکامه و

کارگران و زحمتکشان ایران!
در آستانه روز جهانی کارگر، پیکار در راه
سرنگونی رژیم را تشدید کنید!

استبدادی، از هراس آنها از قدرت طبقه کارگر، یعنی گورکن نظام سرمایه داری و انقلابی ترین و بیگیرترین پیکارگر راه صلح، آزادی و ترقی اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. چنین رژیم هایی می‌خواهند از این طریق چهره واقعی خویش را بپوشانند و کارگران و زحمتکشان را از حزب طبقه کارگر و تشکل های صنفی و مدافعان راستین خود جدا سازند.

شیوه به راه انداختن آیین های فرمایشی جشن اول ماه مه در سطح جهان و هم در سطح کشور ما دارای پیشینه تاریخی است. رژیم های استبدادی و فاشیستی از جمله نازی های هیتلری در رده پیشگامان برگزاری مراسم اول ماه مه به شکل فرمایشی بوده‌اند. در ایران دوران ستمشاهی، در سال های پس از کودتا، شاه روز تولد رضاخان قلدر را به عنوان روز کارگر علم کرد. ولی پیکار پردامنه کارگران رژیم را به عقب نشینی وادار ساخت. رژیم روز اول ماه مه را ظاهرا به رسمیت شناخت، ولی برای آن که آرامش "جزیره ثبات" در هم نریزد، با تمام توان می‌کوشید تا از برگزاری مستقل و آزادانه این جشن توسط کارگران جلوگیری به عمل آورد. با این وجود کم نبودند کارگران آگاهی که با درک نیات شوم رژیم دست نشانده امپریالیسم، این جشن را با تشکیل محافل و کانون های گردهمایی، به اشکال گوناگون و باشکوهی بایسته برگزار می‌کردند.

طبقه کارگر ایران، طبقه پیکارگر و پرتجربه‌ای است. این طبقه بیش از هفتاد سال پیشینه مبارزه سندیکیایی و سیاسی برضد تسلط استعمار و امپریالیسم، نواستعمار و نیروهای واپسگرای داخلی دارد. شیوه برخورد و عملکرد کارگران نسبت به آیین های فرمایشی اول ماه مه در ۴ سال گذشته آئینه تمام نمای این واقعیت است که طبقه کارگر ایران از نظر سطح آگاهی و تجربه انقلابی بگونه چشمگیری رشد کرده است. بقیه در ص ۲

فراخوان تشکیلات دموکراتیک زنان ایران خواهران هموطن!

شرکت در جنگ را تحریم کنیم!

در اسفندماه ۶۴، رژیم خون آشام جمهوری اسلامی برای گسترش بازهم بیشتر جنگ بی‌سرانجام، دست به اقدامی گستاخانه زد. خمینی فرمان آموزش نظامی زنان و اعزام آنان به جبهه را نیز صادر کرد.
بلافاصله پس از سخنرانی او، دستگاه های اجرایی رژیم دست به گشایش مراکز آموزش نظامی زنان زدند و با تکیه عوامفریبانه بر معتقدات مذهبی، توده های زنان را به سوی قربانگاه جنگ فراخواندند.

"انسان سازی" باشلاق و شکنجه گزارشی از زندانهای ج.ا.

"مسئول بخش فرهنگی" زندان قزل حصار در گفتگو با خبرنگار اطلاعات ادعا کرده است: "در اینجا یک جو خیلی آزاد حاکم است" و زندانیان "می‌توانند اوقات خود را هر طور که می‌توانند، از جمله مطالعه، استفاده از هواخوری و غیره بگذرانند".

بیان چنین لاطاللاتی واقعا که وقاحت می‌خواهد، رژیم ج.ا. که سیاست خود را بر پایه مردم فریبی بنا نهاده، هرچندگاه یکبار با سرهم بندی کردن یک سری نمایش های مسخره و تبلیغات آنچنانی می‌کوشد تا پرده استتاری بر جنایت های خود بکشد. روزی گروهی از خبرنگاران فرانسوی را با دادن رشوه به بازدید از زندان "اوین" دعوت می‌کند، در حالی که قبلا در این زندان دست به نقل و انتقال های بقیه در ص ۶

بیاموزیم - افشاکنیم - سازمان دهیم
کنترل نامه ها و روش مقابله با آن
در ص ۴

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

به پیشواز روز اول ماه مه...

در حالی که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی مراسم فرمایشی اول ماه مه را به مراسم تبلیغ صلح و سازش طبقاتی و افترا زنی و دروغ پراکنی بر ضد کشورهای سوسیالیستی و نیروهای انقلابی و زمینه چینی برای سربازگیری و ادامه جنگ تبدیل می‌کند، کارگران در سطح گسترده و به اشکال گوناگون یا از شرکت در این مراسم سرباز می‌زدند یا خود ابتکار برگزاری جشن اول ماه مه را در محیط های کار بدست می‌گرفتند. امسال نیز طبقه کارگر ایران بجاست باردیگر پاسخ دندان شکنی به حکام مرتجع و کارگرسنیز جمهوری اسلامی بدهد.

ما، در آستانه روز جهانی کارگر، فعالان صنفی و اعضا و هواداران حزب را فرامی‌خوانیم تا با بهره برداری آگاهانه از همه عوامل و امکان ها و زمینه های مساعد از جمله با تکیه بر میرم ترین خواست های صنفی کارگران، به سازماندهی آنها بپردازند. فعالان صنفی و اعضا و هواداران حزب در فعالیت بسیج گران خود برای برگزاری اول ماه مه از جمله نباید از نظر دور بدارند که:

- کارگران و زحمتکشان از ادامه جنگ امپریالیسم برافروخته، از اعزام به جبهه های جنگ بدون بازگشت و غارت دسترنج ناچیز خود توسط رژیم ناخشنودند. باید تبلیغ بر ضد جنگ در

سیاست مطبوعاتی رژیم...

کشورمان تغذیه کننده دیگر رسانه ها تعبیر شده و متأسفانه مدتی است که این روش به صورتی ناخوشایند از سوی مسئولین اعمال می‌شود. وی از دیدگاه صنفی، مسئولان ارگان های گوناگون را مورد انتقاد قرار می‌دهد که "رسانه های خبری آنطور که باید و شاید تغذیه نمی‌شوند و چون نمی‌خواهند و نباید صد درصد از خبرهای خبرگزاری بهره گیرند، کوهی از مشکلات در مقابلشان قرار می‌گیرد". اما متن شکوه آمیز مقاله حاکی از خواست چند درصد استقلال خبری مطبوعات مجاز است، اعتراف صریح به این واقعیت را در بر دارد که خواننده روزنامه "درست همان خبری را که از رادیو تلویزیون می‌شود، عیناً در روزنامه ها مشاهده می‌کند" و "از گوشه و کنار، این عبارت زشت دهان به دهان می‌چرخد که: روزنامه ها و رادیو تلویزیون سررشته یک کرباس اند و الخ...".

همچنین در مقاله یاد شده اشاره می‌شود، در بیشتر کنفرانس ها و گفتگوهای مطبوعاتی فقط خبرنگاران "صدا و سیما" - یعنی ارگان رسمی رژیم - حضور پیدا می‌کنند و فرستادگان روزنامه های مجاز باید "از پنجره وارد شوند". در این زمینه ها رژیم رسواتر از آن است که نیاز به افشاکاری داشته باشد. نکته قابل اشاره "خصوصیت خاص" خبرگزاری ج.ا. و ماهیت وظایف آن در شرایط کنونی است.

"خبرگزاری جمهوری اسلامی" در واقع همان "خبرگزاری پارس" دوران ستمشاهی است که پست های کلیدی آن تا زمان سرنگونی رژیم شاه

واحدهای تولیدی را هرچه بیشتر گسترش داد. کارگران و زحمتکشان از پایین بودن سطح حقوق و دستمزد ناچیز خود و عدم مهنوایی آن با هزینه سرسام آور زندگی، از بیکاری فزاینده و میلیونی و بطور کلی از بی حقوقی و عدم تامین

کارگران و زحمتکشان ایران! در آستانه روز جهانی کارگر، مبارزه برای پایان دادن به جنگ را گسترش دهید!

اجتماعی بشدت ناخشنودند و از گرانی و تورم روزافزون بشدت رنج می‌برند. باید تبلیغ برای افزایش دستمزد و حقوق و علیه بازگرداندن کارخانه های مصادره ای به صاحبان قبلی و فروش کارخانه ها به کلان سرمایه داران را که خود یکی از عوامل اخراج بی رویه کارگران است، در سطح هرچه گسترده تر سازمان داد.

- کارگران و زحمتکشان از سرکوب آزادی های دمکراتیک و ترور و خفقان حاکم بر کشور و محیط های کار از جمله به خاک و خون کشیده شدن هر حرکت اعتراضی و اعتصابی کارگران توسط نهادهای سرکوبگر بشدت ناراضی هستند. آنها می‌بینند که رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی حق هیچ گونه شکل و سازمان یابی سیاسی یا صنفی مستقل و آزادانه ای را برای کارگران قایل نیست، ولی کلان سرمایه داران و

در اختیار عوامل اطلاعاتی و "امنیتی" بود. مجریان سیاست مطبوعاتی شاه - ساواک با پشتیبانی نیروهای سرکوبگر با قدرت عمل می‌کردند و هیچ روزنامه مجازی حق نداشت از چارچوب تعیین شده از جانب آنان، فراتر برود. در آن شرایط علیرغم تلاشی که روزنامه نگاران متعهد و مترقی علیه سانسور حاکم بر مطبوعات می‌کردند، اداره کنندگان روزنامه ها چاره ای نداشتند جز آن که حتی بر این اظهار نظر درباره جزئی ترین مسائل سیاسی و اجتماعی با عوامل رژیم "مشورت" و "صلاح و مصلحت" کنند.

پس از پیروزی انقلاب، نیروهای ارتجاعی و دشمنان قسم خورده دمکراسی در دستگاه حاکمیت ج.ا. که نمی‌توانستند آزادی مطبوعات را تحمل کنند، بر آن شدند تا سیاست مطبوعاتی رژیم پیشین را دنبال کنند. آنها با برچیدن بساط روزنامه های مترقی در مقاطع گوناگون، گسیل عوامل خود به درون هیئت های تحریریه روزنامه های پرتیراژ و انتصاب آنها در شغل های حساس و بیرون راندن روزنامه نگاران مترقی و مبارز از سوی و تجدید سازمان "خبرگزاری" یاد شده از سوی دیگر، به رویارویی با آماج های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب پرداختند. کار ارتجاع در این شبکه انتخاب و تنظیم خبرها و جمع آوری آنها در بولتن های ویژه به منظور ایجاد انحراف در افکار عمومی و کشاندن انقلاب به بیراهه بود، که در اختیار رسانه های گروهی قرار می‌گرفت. روزنامه های مجاز کشور می‌بایست بدون دخل و تصرف در مضمون خبرها - کیریم که از نظر نوشتاری در متن آنها تغییراتی سطحی می‌دادند - سیاست رژیم را دنبال

فارتگران اجتماعی در پرتو عنایات سردمداران مرتجع رژیم برای غارت و بهره کشی هرچه بیشتر کارگران متشکل می‌شوند. باید بذر اندیشه جنبش مستقل صنفی کارگران و زحمتکشان را در سطح هرچه وسیع تری در بین آنها افشاند.

- کارگران و زحمتکشان خواستار تعطیل اعلام شدن روز اول ماه مه و دستیابی به حق برگزاری آزادانه و مستقل مراسم روز کارگر هستند. باید برای دست پیدا کردن به این حق مسلم، آنها را هرچه بیشتر سازمان داد و متشکل کرد.

- کارگران و زحمتکشان، با گذشت هر روز، بیش از پیش به ماهیت رژیم کارگرسنیز پی می‌برند و به تجربه خود درک می‌کنند که رژیم موجود نه خدمتگزار آنها، بلکه خادم کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران است و باید یک حکومت ملی - دمکراتیک جایگزین آن شود. از این رو بردن شعار سرنگونی رژیم "ولایت فقیه" در بین کارگران و زحمتکشان اهمیت خاصی دارد.

مجموعه رویدادهای اجتماعی و به ویژه آنچه در محیط های کارگری می‌گذرد، بیانگر آن است که طبقه کارگر در صحنه مبارزه انقلابی میهن ما حضور فعال دارد. در شرایط کنونی، همه فعالان صنفی، کارگران حزبی، آن گروه از اعضا و هواداران حزب که به گونه ای فعال با کارگران و محیط های کارگری ارتباط دارند، موظف هستند تا به کارگران و زحمتکشان در تدارک و برپایی مراسم روز کارگر در واحدهای تولیدی یاری رسانند. باید برای برپایی آیین های مستقل و آزادانه اول ماه مه در واحدهای تولیدی و عدم شرکت در مراسم نمایش رژیم از هیچ تلاشی دریغ نورزید.

* خجسته باد جشن اول ماه مه روز همبستگی بین المللی کارگران و زحمتکشان!
* درود بر طبقه کارگر قهرمان و پیکارگر ایران!

می‌کردند. در ابتدای انقلاب طبیعی بود که این ترفند نمی‌توانست آنچنان که باید و شاید کارگر اقتد، اما دیری نگذشت که درگیری رژیم با نیروهای مترقی شکلی علنی بخود گرفت و سران مرتجع ج.ا. که توانسته بودند از جمله دست به تصفیه اکثر روزنامه نگاران متعهد بزنند، موفق شدند نقش کانالیزه کردن خبرها از مجرای "خبرگزاری جمهوری اسلامی" را کاملاً پیاده کنند.

در شرایط کنونی وظیفه اصلی "خبرگزاری جمهوری اسلامی" دریافت خبرهای داخلی و خارجی، انتخاب، سانسور و تنظیم آنها بخاطر توجیه و پیشبرد سیاست رژیم است. این "خبرگزاری" از انتشار خبرهای مربوط به روابط پنهانی و بند و بست ج.ا. با انحصارهای امپریالیستی، بویژه در زمینه خرید اسلحه، جلوگیری می‌کند. حقایق مربوط به جنگ، فرار سربازان، تعداد کشته شدگان و میزان خسارت های واقعی را که بر کشور وارد می‌شود، طبق "صلاحدید" خمینی و یارانش وارونه جلوه گر بقیه در ص ۷

چرامهد کودکها تعطیل می‌شوند

چهارم - وری

اسلامی پس از گذشت مدتی از عمر خود بر اساس تز "مهمترین وظیفه زن مادر بودن است" تلاش کرد که زنان را بطریقی از صحنه تلاش و کار اجتماعی دور ساخته و به کنج خانه‌ها براند. چنین سیاستی منجر به تعطیل شدن بسیاری از مهد کودک های سازمانها و اداره های دولتی و وزارتخانه‌ها شد. در مواردی این کار سهل بود، بخصوص در محل هایی که متقاضی مرد برای انجام کار بسیار بود، اما در مقابل در برخی موارد اجرای این سیاست تقریبا غیر ممکن می‌نمود و در برابر آن به سختی مقاومت شد. چند مورد از مقاومت ها در وزارتخانه های آموزش و پرورش، بهداشتی و بهزیستی و حتی آموزش عالی صورت پذیرفت. سیاست گزاران و ایدئولوگهای نظام جمهوری اسلامی که بسیار خوب می‌دانستند در زمینه آموزش و پرورش و بهداشتی نمی‌توانند از وجود زنان استفاده نکنند، اجازه دادند مهد کودک هایی که در بسیاری از موارد بودجه آنها خود والدین تامین می‌کردند - دایر باشند. در واقع کاری که این دو وزارتخانه انجام دادند گذاشتن اماکن کوچک و بسیار نامساعدی در اختیار مادران و مربیان بود. حتی برخی از اماکن از ابتدائی ترین وسائلی چون میز و صندلی و اجاق خوراک پزی محروم بود. بقیه امکانات کم یا زیاد - بسته به همت و درآمد والدین در نوسان بود. البته باید توجه داشت که وضع درآمد اولیاء کودکان نیز رضایت بخش نبوده و نیست. امروزه بسیاری از والدین ناچار هستند که یا فرزندان خود را به مهد کودکهای خصوصی ببرند، یا کسی را استخدام کنند که در خانه از مراقبت کنند (که چنین تدابیری از اکثریت زنان کارگر و کارمند ساخته نیست) و یا اینکه عطای کار و درآمد را به لغایش ببخشند و خانه نشین شوند. در این میان عده ای از افرادی که از کار بیکار شده‌اند و یا گروهی سودجو دست به احداث مهدکودک های خصوصی زده‌اند، در اینگونه موسسه‌ها کودکان به شیوه های علمی و درست نگهداری نمی‌شوند. مادرانی که کودکان خود را در چنین مهدکودک هایی می‌گذارند اغلب در کودکان خود با عوارض سرماخوردگی و کمبود محبت روبرو می‌شوند. گاهی نیز در اثر بی‌توجهی مربیان و مسئولان فرزند دل‌بند خود را مجروح و زخمی می‌یابند. بنا به خبرهایی که گاه گاه در نشریات مجاز ج. ا منعکس می‌شود، وقتی زن کارگری به مسئولین مهدکودک کارخانه محل کار خود معترض شد که چرا صورت فرزندش زخمی است در جواب او گفتند: "در مهد کودک دیگری کودکی را هول داده‌اند و چشمش روی شیر آب خورده و کور شده، باید خدا را شکر کنی که فرزندت سالم است". دولتی که میلیاردها تومان بودجه کشور را صرف جنگ می‌کند زمانی

آثار باستانی در معرض نابودی

هر روز که

میگذرد طومار سیاهکاری های رژیم واپسگرایی ج. ا. طول تر می‌گردد. رژیم فرهنگ و هنر ستیز ج. ا. کلیه مظاهر تاریخی - فرهنگی میهن کهنسال ما را بشدت در معرض خطر نابودی قراردادده است. خطری که امروزه آثار و مفاخر به یادگار مانده از فرهنگ و تمدن ایران باستان را تهدید می‌کند، در طول تاریخ کشورمان سابقه نداشته است. محور نابودی آثار باستانی اعم از بناهای تاریخی و اشیای عتیقه ... از دیگر نمودها و ویژگیهای سیاست فرهنگ ستیزانه رژیم قرون وسطائی "ولایت فقیه" است. چندی پیش روزنامه های مجاز نوشتند: "برج قابوس و ۲۰۰ اثر تاریخی گنبد در معرض تهاجم سوداگران اشیای عتیقه (قرار گرفته اند) ... عدم همکاری و بی‌اعتنائی بعضی ادارات، سازمانها و ارگانهای دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی به بخشنامه های مربوط به حفظ و حراست از میراث فرهنگی و ملی موجب زیانها و صدمات زیادی به آثار باستانی کشور می‌شود". و یا در روزنامه کیهان می‌خوانیم: "حفاران غیر مجاز به طمع یافتن طلا، با بولدوزر به جان آثار تاریخی افتاده‌اند". برآستی چه عاملی دست "حفاران غیر مجاز" و "سوداگران اشیای عتیقه" را در این جنایتهای ضد فرهنگی باز گذاشته است؟ آیا اینان میمالکی‌های همان کسانی نیستند که امروزه بر مسند قدرت تکیه زده‌اند و به نام علم و فرهنگ تیشه بر ریشه میراث گرانبهای تاریخی و هنری کشورمان می‌زنند؟ در این رابطه، ویرانگری های عوامل رژیم در ابعاد وسیع، موجد این امر است. مسئول دفتر فنی حفاظت آثار تاریخی اصفهان در آذر ماه سال جاری اظهار داشت: استانداری اصفهان بدون اطلاع و هماهنگی با دفتر حفاظت آثار تاریخی، دیوار مسجد قطبیه چهل ستون اصفهان را که متعلق به دوران صفویه می‌باشد تخریب کرده است ... (کیهان ۹۶/۷/۱۲). یکی دیگر از وجوه تخریب آثار باستانی کشورما، عدم تخصیص بودجه کافی

که صحبت از صد هزار تومان نیاز منطقه ۱۲ آموزش و پرورش برای ایجاد مهد کودک به میان می‌آید جواب می‌دهد که "با کمبود بودجه مواجهیم". باید پرسید این کدام دولت انقلابی است که برای جنگ بی‌سرانجام که تاکنون صدها هزار جوان ایرانی را به کام مرگ کشیده بودجه دارد، ولی برای پرورش نسل آینده با کمبود بودجه مواجه است؟ این در شرایطی است که بسیاری از موسسه‌ها حتی از مصرف بودجه اضافی خود برای ایجاد مهدکودک خودداری می‌کنند. باید زنان را برای دستیابی به خواسته‌های خود از جمله ایجاد و توسعه شبکه شیرخوارگاهها و مهدکودک ها به مبارزه سازمان یافته و متشکل دعوت کرد.

جهت نگهداری و تعمیر این میراث تاریخی است. در این رابطه معاون شهرداری اصفهان در شهریور ماه امسال گفت: برای حفظ و نگهداری ملک هائی که به نام آثار تاریخی میباشند آیا اعتباری در نظر گرفته شده است یا خیر؟ و اگر اعتبار دارد ... در کجاست؟ طبیعی است در شرایطی که هنر پاسداران چهل در دامن زدن به جنگ خانمانسوز خلاصه شده و حضرات مجتمع فرهنگ و هنر در خدمت جنگ "براه می‌اندازند، اختصاص بودجه لازم و کافی جهت حفظ و نگاهداری از آثار باستانی کشور ما، تصوری محال است. بسیاری از شهرهای بزرگ ایران با داشتن قدمت تاریخی دیرینه و آثار فرهنگی و هنری اصیل و ارزنده از کمترین اعتبار لازم و ضروری برای نگهداری این آثار محروم هستند، چه رسد به شهرهای کوچک و دور افتاده. علاوه بر اینها سیاست فرهنگ ستیزانه رژیم ج. ا. در رابطه با حفظ آثار باستانی، نقش مخربی در فعالیتهای تحقیقاتی و علمی دانشگاهها داشته و خواهد داشت. در این رابطه گلزاری عضو هیئت علمی دانشگاه تهران گفته است: "... در سال ۵۵ علاوه بر اینکه گروه باستان شناسی دانشگاه تهران ۵۰۰ هزار تومان بودجه داشت، اگر ما نیاز پیدا می‌کردیم دوباره ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان دیگری گرفتیم ولی اکنون علاوه بر کمبود بودجه، (کمبود) امکانات مانند ماشین داریم و به علت همین کمبودها من که در دانشگاه تهران رشته تاریخ ایلام، ماد و هخامنشی را تدریس می‌کنم، نتوانستم دانشجویان را ببریم به نزدیک ترین نقطه‌ای مانند همدان و بیستون که از نزدیک متنی را که خوانده‌اند، ببینند. کمبود دیگر، کادر و هیئت آموزشی است که سابق ۲۰ نفر بود ولی اکنون با ۷ نفر ... این کار اداره می‌شود".

آیا از سران مرتجع ج. ا. جز این می‌توان انتظار داشت؟ اگر وضع بدین منوال ادامه یابد، باید در آینده فاتحه آثار باستانی و مفاخر تاریخی کشورمان را بخوانیم.

*

در حاشیهٔ رویدادها

مترف مبارزه کرد. چرا که سرمایه‌داری بدون انباشت سرمایه، بدون سرمایه‌دار بزرگ ... رشد نمی‌کند و آن خود عامل ستم، بی‌عدالتی و فسق است" (کیهان، ۲۷ اسفند ۱۳۶۴).

- آری، در درون سیستمی چون جمهوری اسلامی که ۹۵ درصد از ۸۰۰ میلیارد نقدینگی وحشتناک که متعلق به ۲ درصد مردم است، چگونه می‌توان با "مترف" مبارزه کرد و ستم و بی‌عدالتی و فسق را برانداخت؟

**

هم میهنان عزیز! با بکارگیری و بسیج همهٔ امکانات خود به یاری ده‌ها هزار خانوادهٔ زندانیان سیاسی بشتابیم!

بیاموزیم - افشاکنیم - سازمان دهیم

کنترل نامه هاور و ش مقابله با آن

خط‌شناسی

برای شناسائی نگارنده یک نامه بدون نام و امضاء و یا با نام مستعار و امضاء ساختگی، به سراغ گروه خط‌شناسی می‌روند. در این زمینه، نکات زیر در مرکز توجه "گروه خط‌شناسی" قرار می‌گیرد:

۱- نوع کاغذ - معمولاً در هر کشور کاغذهای خاصی مصرف می‌شود که کمک به شناخت منطقه ارسال نامه می‌کند. افزون بر آن، هر فردی معمولاً با دست‌نویس‌اش به یک دسته کاغذ، پیوسته از یک نوع کاغذ برای مکاتبات بهره‌ور می‌گردد. برخی افراد هم برحسب عادت فقط روی کاغذ خط‌دار می‌نویسند یا برعکس.

۲- نوع پاکت - پاکت هم مانند کاغذ دارای انواع و مشخصات معینی است و ممکن است شخص نویسنده برای مدت درازی از یک نوع پاکت استفاده کند.

۳- طریقه نوشتن آدرس - ممکن است شخصی عادت به نوشتن آدرس در گوشه معینی از پاکت داشته باشد.

۴- نوع قلم - برخی‌ها تنها با قلم خودنویس یا فقط با قلم خودکار می‌نویسند و معمولاً از جوهری با رنگ معین استفاده می‌کنند.

۵- نوع خط - یک نفر عادت دارد شکسته بنویسد، دیگری نسخ یا نستعلیق نامه‌نگاری می‌کند.

۶- محل تاریخ و امضاء در نامه - محل تاریخ و امضاء در نامه مشخص است ولی کم نیستند کسانی که تاریخ نامه را در بالای نامه می‌نویسند. و یا به طرز خاصی تاریخ‌گذاری می‌کنند (مثلاً بجای ۶۵/۱/۱ می‌نویسند اول فروردین ماه ۱۳۶۵).

۷- وضع ظاهری نامه - فردی نامه را بسیار تمیز و پاکیزه و بدون خط‌خوردگی می‌نویسد و فرد دیگری در نامه خود خط‌خوردگی‌های زیادی بجای می‌گذارد.

۸- نحوه تا کردن نامه - هر فردی نامه خود را یک نوع تا می‌زند.

۹- خوانا بودن خط - خوانا بودن خط طبیعتاً با خوش خطی یا با بدخطی در ارتباط است. برخی‌ها حروفی مثل "س" یا "ش" را دندان‌دار می‌نویسند، برخی دیگر کشیده. بعضی‌ها نقطه‌گذاری را با دقت رعایت می‌کنند، بعضی‌ها نه. پاره‌ای افراد حرفی از حروف آخر را جا می‌اندازند و...

۱۰- جهت سطوح در نامه‌ها - برخی‌ها درست روی خط یا آن که در بین دوخط می‌نویسند، نوشته برخی دیگر، مثلاً در انتهای هرسطر به سوی بالا انحناء پیدا می‌کند. بطورکلی هر فردی از نظر شیوه نگارش دارای خود ویژگی‌های خاصی است. ۱۱- فاصله بین کلمات - هر کس بین کلمات، فاصله معینی می‌گذارد. فاصله‌گذاری بین کلمات یک شاخص مهم خط‌شناسی است.

۱۲- فاصله سطرها - یک خط درمیان یا با فاصله کمتری یا بیشتر نوشتن افراد.

۱۳- خود ویژگی‌های هر خط - شکسته نوشتن حرف‌هایی همانند "ن"، "ل"، و غیره و یا کلماتی مانند "دو"، "که"، "نی" و غیره از جمله عوامل پراهمیت در شناسائی خط است.

۱۴- ریز و درشت نوشتن کلمات.

۱۵- فشار قلم روی کاغذ.

۱۶- نوع نقطه‌گذاری - بعضی‌ها دو نقطه "ی" یا "ت" یا "ق" و غیره را به صورت خط و یا منحنی و یا سه نقطه حروف "پ"، "چ"، "ش"، "ژ" را به صورت دایره و غیره می‌نویسند.

۱۷- رسم الخط - هر کس از نظر رسم الخط،

اصول و قواعد معینی را رعایت می‌کند. مثلاً بعضی‌ها با "ه" همزه و بعضی دیگر "ی" بکار می‌برند، مانند "نتیجه" - "نتیجه‌ی".

۱۸- درجه دقت در نگارش - هر کس به اندازه

معینی قادر به رعایت اصول دستور زبان فارسی است. بعضی‌ها با وسواس ویژه‌ای بطور کامل قواعد دستور زبان را رعایت می‌کنند و جمله‌ها را

با دقت و صحیح می‌نویسند، ولی بسیاری خود را عقید به این امر نمی‌بینند. مثلاً در جمع بستن کلمات هر کس سبک خاص خود را دارد؛ بعضی‌ها فقط با "ها" و "ان" و بعضی دیگر با "ات".

۱۹- سبک نگارش - هر فردی بسته به سطح

دانش و تخصص، موقعیت و آگاهی اجتماعی و نیز محیط پرورش خویش سبک نگارش مخصوص به خود را دارد. بطور طبیعی بکارگیری کلمات و تعابیر و تشبیهات خاص از سوی هر فرد نمی‌تواند از عوامل پیشگفته جدا باشد. مثلاً شیوه استدلال و تشبیهات یک کارمند با یگانگی با یک روستائی و یک آموزگار با یک کارگر بسیار متفاوت است.

در ضمن احزاب و سازمانها و گروه‌های سیاسی کشور ما هم، هر یک کلمات، مقولات و اصطلاحات ویژه خود را دارند که با اندکی دقت می‌توان آنها را از یکدیگر تمیز داد.

۲۰- فن نقطه‌گذاری - هر کس در سطح معینی

اصول نقطه‌گذاری را رعایت می‌کند. مثلاً بعضی‌ها با دقت خاصی از علامت‌های ویرگول و دو نقطه و تیره و علامت سوال و تعجب یا ندا استفاده می‌کنند، و بعضی‌ها به ندرت.

چگونه مکاتبه کنیم

تا از دستبرد دشمن در امان باشیم

هنسهای حزبی ضمن آشنائی با روشهای پیشگفته که دشمن به منظور کنترل و سانسور نامه‌ها به کار می‌بندد، بایستی با تصویری واقع بینانه از امکانات عملی خصم، هشیاری خود را از دست ندهند و با رعایت دقیق نکات ویژه‌ای در این زمینه درجه سلامت و امینت کار را بالا ببرند. برای رد و بدل کردن نامه، خواه

داخل کشور و خواه در مکاتبه با مرکز حزب، باید نکات زیر را بکار بست:

۱- پیش از کشودن هر نامه‌ای، ابتدا باید آن را به دقت واری کرد. بویژه محل چسباندن پاکت را، برای دیدن چسب اضافی، اثرات انگشت و لکه‌هایی که بازکننده نامه روی پاکت بر جای می‌گذارد، چروک شدن گوشه‌های پاکت و غیره. باید به این نکته توجه داشت که معمولاً در پستخانه پس از باز کردن پاکت نامه، روی محل چسباندن پاکت مهر پستخانه را می‌زنند تا با این شکرده، اسباب خاطر جمعی و آسوده خیالی گیرنده را فراهم سازند. برای باز کردن نامه بایستی دور تا دور پاکت را با چاقو پاره کرد و از داخل محل چسبیدن در پاکت را بدقت بازرسی کرد. خط چسبی که از ابتدا روی پاکت بوده مستقیم و مشخص است. در عین حال، ممکن است در موقع باز کردن نامه، پاکت خراب شود و یا به دلایل دیگر ماموران نامه را به گیرنده ندهند. لذا همیشه بایستی به یک وسیله قراردادی، شخص گیرنده را از ارسال نامه باخبر کرد تا در صورت عدم دریافت نامه اقدامهای مقتضی به عمل آید.

۲- به منظور جلوگیری از کشودن نامه، "طریقه میله‌ای"، بایستی از پاکت‌های استفاده بعمل آورد که لبه داخلی آن کاملاً با محل تا شدن سر نامه تماس داشته باشد. پاکت‌هایی که لبه داخلی آن را بتوان قبل از چسباندن پاکت به روی نامه نازد. ۳- به منظور پی بردن به این که آیا نامه به طریقه قاشقک (طریقه خشک) کنترل شده یانه، پس از دریافت پاکت و باز کردن آن از قسمت پهلوها استفاده از روش مرطوب، به تکه‌های ریزی که در محل چسباندن پاکت باقی مانده دقت کنید. ۴- با گذاردن علائم قراردادی در محل چسباندن پاکت و یا علائم دیگر میتوان به احتمال کنترل نامه به روش مرطوب (طریقه بخار آب) یا طریقه باز کردن پاکتی که روی آن چسب اسکاچ زده شده، پی برد. ۵- ضروری است به هنگام مکاتبه رهنمودهای زیر نیز در کانون توجه رفقا قرار گیرد:

- نامه نگاری بیش از حد با استفاده از یک

آدرس مشخص و واحد باعث لورفتن آن می‌شود.

- به شکل ظاهری پاکت باید دقت گردد،

معمولاً به پاکتهایی که بیش از یک صفحه کاغذ

معمولی در آن باشد، مشکوک می‌شوند؛

- چند پاکت با یک خط ارسال نشود (به ویژه

به آدرسهای مختلف)؛

- نباید آدرس پشت پاکت را تایپ کرد و

نباید از پاکتهای دارای عنوان چاپی (پاکت

رسی ادارات، تجارتخانه‌ها و بیمارستانها و

غیره) جز در موارد خاص و بنا به ضرورت معینی،

استفاده کرد؛

- پاکت نامه حتماً باید دارای آدرس فرستنده

(البته آدرس قدایی) باشد؛

- باید تا سر حد امکان از صندوق پستی کمتر

استفاده شود؛ آدرسهای

در حاشیه رویدادها

در کجای ایران قیمت یک بز با یک شتر برابر است؟!

"در مردادماه ۶۲ پسر مورد ضرب و جرح دونفر از اوباش قرار می گیرند. آن دو نفر با ضربات چاقو و زنجیر اتومبیل او مشروب و مسدوم می نمایند... اینجانب پس از مراجعه به بیمارستان، جلوگیری از خونریزی شکافتگی سر و دست فرزندم، بستری کردن وی، به ژاندارمری مراجعه کرده و پرونده ای تشکیل می دهم. پزشک قانونی نیز پس از معاینه مضروب، جرح و ضرب را بوسیله چاقو و زنجیر تایید می نماید.

پس از یکماه جستجو موفق شدم متهمان را دستگیر و تحویل مقامات قانونی نمائیم... در جلسه رسیدگی متهم اصلی به موجب دادنامه شماره ۲۲۰۲ صادره از دادگاه مذکور به پرداخت سه شتر و سه دینار طلا محکوم شد.

محکوم پس از بدام افتادن، دادخواستی مبنی بر "اعصار" به مبلغ سیصد و شصت هزار ریال (۳۶۰ هزار ریال) بهای سه شتر و سه مثقال طلا تنظیم و به دادگاه تسلیم می کند... هر اس شتر برابر ۱۰۰ درهم نقره است و هر درهم نقره هم ۲۹۰ ریال. بنابراین سه اس شتر برابر است با ۸۷ هزار ریال. هر مثقال طلای مسکوک غیرمنقوش برابر است با ۱۰ درهم نقره. بنابراین قیمت سه مثقال طلای شرعی خالص و سه اس شتر ۹۵۷۰۰ ریال می شود.

در اینجا این سؤال پیش می آید که اولاد در کشوری که قیمت یک اس بز ۲۵ هزار ریال است

آیا قیمت یک شتر ۲۹ هزار ریال می شود؟ آنها در کجا قیمت طلای خالص مثقالی ۲۹۰۰ ریال است...؟" (کیهان، ۱۰ فروردین ۶۵).

ارتباط خرید گاو آهن های ساخت ترکیه با شعار "خودکفایی"

"این نامه را از کنار صف طویل کامیون های ترکیه که بار آنها گاو آهن است می نویسم. وقتی چشم به گاو آهن های وارداتی خورد این سؤال در ذهنم مطرح شد که مگر مسئولین وزارت بازرگانی از تولیدات و مصرف این کالا در کشور خبر ندارند؟

بیاد یکی از شرکت های وابسته به وزارت راه و ترابری افتادم که مدتی در آنجا به عنوان کارگر در امر تولید گاو آهن کار می کردم... در مدت سه سالی که در آنجا مشغول به کار بودم مقدار گاو آهن های تولیدی بقدری بود که کارخانه و انبار آن محلی برای نگهداری آنها را نداشت و به ناچار تعدادی از آنها زیر باران و در هوای آزاد نگهداری می شد. اما از طرفی دیگر شاهد هستم در کنار این تولیدات به بهای نفت کشور، گاو آهن های با کیفیت پائین تر از تولیدات داخلی از کشور ترکیه وارد مملکت می شود. نمی دانم شاید با این کار می خواهند مسئله خودکفائی فقط در سطح شعار باقی بماند... عیب خرید گاو آهن را به دلار که حاصل فروش نفت است جویا می شویم زیرا این عملکرد باعث دلسردی کارگران هموطن می شود..."

سخنرانی قبل از دستور آقای

فخرالدین حجازی

"من الان حاشرم از همه مردم محروم خودمان پول جمع کنیم، شما بدهید خواهش می کنم یک مقر

مکانهای پستی که معمولاً سه صندوق "داخله، شهری و خارجه" دارند تحت نظر بگیرند، مأموران "امنیتی" با شکل و شمایل عادی و بدون ریش و با در دست داشتن "لیست سیاه" آدرسها وظیفه دارند که همانند گشتی های سیاه، تیبهای مشکوک "را تحت بازجویی قرار دهد، آنها آدرس های پاکتها را با آدرسهای موجود در "لیست سیاه" مقایسه می کنند و در صورت برخورد به موارد "مشکوک" به بازداشت پست کننده نامه می پردازند. در پایان نظر رفقا را به این واقعیت جلب می کنیم که رژیم علیرغم دستیابی به شیوه های ترور و اختناق و سانسور و آزادی کشی و علیرغم همه تدابیر و چاره اندیشی های ضد مردمی خود، هرگز موفق نشده و نخواهد شد تا در راه فعالیت پرشور نیروهای انقلابی و هسته های حزبی در همه زمینه ها از جمله در زمینه نامه نگاری موانع گذرناپذیری ایجاد کند. تعداد پرشماری نامه های که هر روز به مرکز حزب می رسد خود گواه بارزی بر این واقعیت است. رفقا! هسته های حزبی! اگر ما تدابیر و رهنمودهای کار در شرایط مخفی را بکار بندیم

سازمان ملل در دهکده مقدس جماران می سازیم همه ملل به آنجا روی آورند، چون امیدشان آنجاست."

تأیید بجای تکذیب

موسوی بجنوردی عضو "شورای عالی قضایی": "چون امروزه نظام جمهوری اسلامی به عنوان مهد آزادی در دنیای مستضعفین به شمار می رود، لذا مجامع بین المللی و استکبار جهانی سعی در لوٹ کردن این نظام اسلامی داشته و وجود شکنجه را در زندان های ایران مطرح می کنند. حال آن که نظام اسلامی مخالف شکنجه بوده و می باشد. لیکن دشمنان اسلام مساله تعزیر را که حد شرعی است تحریف نموده و به عنوان وجود شکنجه در ایران بیان می کنند که عاری از حقیقت است.

وی با اعلام این مطلب که طبق موازین اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی اقرار متخذه با شکنجه فاقد ارزش شرعی و قانونی است به وضعیت زندان های جمهوری اسلامی اشاره کرد و افزود: زندان های جمهوری اسلامی ایران اکنون به آموزشگاه و دانشگاه تبدیل شده است. بطوری که مجرم را پس از طی کیفر به یک انسان واقعی تبدیل کرده و به جامعه اسلامی تحویل می دهد" (کیهان، ۱۰ فروردین ۶۵).

- شرم بر شما باد ای انسان نماها! وقاحت هم حد و اندازه ای دارد.

سرمایه داری عامل ستم، بی عدالتی، فسق

"در این روزگار با توجه به ویژگی و تولید سرمایه داری نمی توان در درون این سیستم بود و با بقیه درص ۲

بدون تردید، همه دسیسه چینی ها و توطئه پردازی های رژیم را نقش بر آب می سازیم. همواره باید در نظر داشت که رهنمودهای پیشگفته از جمله در دوران قدر قدرتی ساواک محمد رضا شاهی از محک تجربه گذشته اند و کاراثری خود را به ثبوت رسانده اند. شایان بیان است و تجربه پر بار فعالیت گروه های، گوناگون حزبی و همچنین سازمان نوید در دوران ستمشاهی نشانگر آنست که رعایت رهنمودهای یاد شده در متن رعایت اصول کار مخفی، میوه های شیرینی بیار می آورد. در این رابطه باید خاطر نشان ساخت که حدود ۸۰ درصد نامه ها و اوراق تبلیغی گروه های حزبی سالم به مقصد می رسیدند. رژیم با تشدید سانسور و کنترل مکاتبات مردم در واقع ضعف و هراس خود را از گسترش فعالیت نیروهای - انقلابی می گذارد. تاریخ مبارزات خلقها نشان داده است که در نهایت هیچ نیروی قادر نیست بر قدرت و خلاقیت توده های مردم و گردان های پیشتاز خلق برتری یابد

پیش بسوی گسترش هر چه بیشتر دامنه فعالیت هسته های حزبی.

کنترل نامه ها

- باید تا سر حد امکان رسیدن نامه بدست گیرنده بدون واسطه باشد و آدرس مثلا با "زحمت کشیده این نامه را به آقا یا خانم فلانی بدهید" همراه نباشد.

- نامه های خود را حتما بطور مسلسل شماره گذاری کنید و تاریخ ارسال بزنید و شماره و تاریخ نامه خود را یادداشت کرده و از راههای دیگری (تلفن، نامه بعدی، پیام یا...) دریافت آن را کنترل کنید.

- از نگارش کلیشه ای در مکاتبه جدا پرهیز کنید و تلاش ورزید یکنواخت (با کلمات و مفاهیم واحد) ننویسید.

- نامه های خود را همواره به یک صندوق پستی واحد نیازدازید و همگام پست کردن آن دقت ضرور را بکار بندید، زیرا اخیرا وزارت اطلاعات با صدور بخشنامه ای به امضا فلاحیان، مسئول امنیت داخلی این وزارتخانه، کلیه واحدهای اطلاعاتی را موظف ساخته است تا

پخش و تکثیر نامه مردم در داخل کشور وظیفه هر عضو و هوادار حزب است!

گزارشی از زندانها...

وسیعی زده می‌شود و شرایط لازم برای بازدیدکنندگان فراهم می‌گردد. روزی دیگر خبرنگاران داخلی را به زندان قزل حصار فرامی‌خواند تا "رپرتاژ آگهی" بنویسند و چنین وانمود کنند که زندان های ج.ا. "محیطی انسان ساز" و "برخوردهای عاطفی" زندانبانان با زندانبان "زمینه‌ای برای جذب و دگرگونی زندانبان" است. روزنامه اطلاعات که خود تلویحا به تنفر مردم از رژیم و آنچه که در اثر فشار و شکنجه حاکم بر زندان ها در "ذهن‌ها" ایجاد شده اعتراف دارد، چنین اعلام می‌دارد که مفهوم زندان و زندانی در ج.ا. "با دیگر نظامها متفاوت است و این از نعمات و امتیازات حکومت جمهوری اسلامی است"، در حالی که نویسنده مقاله بدون تردید خود به پوچ بودن و توخالی بودن ادعای خود آگاه است.

برای آن که به گوشه‌ای از این "نعمات" و "امتیازات" بی‌ببریم، فرازهایی از یک گزارش را با هم مرور می‌کنیم:

"شب ساعت ۱۲ دستگیر شدم. دستبند زدن و چشمانم را بستند و به کمیته مرکزی بردند. از ساعت یک بعد از نیمه شب تا ۴ عصر فردای آن شب در یک اتاقک که از چوب نوپان ساخته شده بود و به اندازه یک آدم نشسته جاداشت، با چشم بسته باقی ماندم. در این مدت چندبار از من بازجویی شد. فشار و تهدید بازجوها برای بدست آوردن اطلاعاتی دال بر فعالیت های بعد از یورش و داشتن اسلحه و محل اختفای آن بود... خلاصه بعد از خوردن کتک های مفصل و شنیدن فحش های چارواداری توسط هرکس و ناکس به یک بند موقت کمیته مرکزی رفتم. در آنجا نیز هرکس می‌رسید اقلا دو سه تا مشت و لگد برای ثواب اخروی هم که شده نثار من می‌کرد."

"ما را به ساختمان مرکزی "اوین" بردند (بعد فهمیدم) و از پله های طبقه اول بالا رفتیم. من چشم بندم را بالا زدم. چون دقیقا نمی‌دانستم آنجا کجاست؟ بلافاصله پاسداری محکم به صورت من کوبید و گفت میدانی اینجا کجاست؟ اینجا "اوین" است. مواظب خودت باش."

از صبح تا آن موقع (ساعت ۶ بعد از ظهر) اجازه دستشویی رفتن به کسی نداده بودند. بعد تقریبا همگی زندانبانان در صف دستشویی کتک مفصلی خوردند. یکی به جرم حرف زدن با دیگری، دیگری به جرم نگاه کردن از زیر چشم بند و... "شام عبارت بود از یک خیار و به هر مشت نفر یک کاسه ماست بعد از خوردن "شام" گفتند کیه" مرگتان را بگذارید. ما در راهرو روی دو موکت باریک بطور فشرده بغل هم دراز کشیدیم. نیم ساعت بعد دو نفر پاسدار آمدند و چند نفر را بلند کردند و سوال پیچ کردند... و بعد با مشت و لگد و شلنگ به جان آنها افتادند. بعد در چند تا از اتاق ها را باز کردند، گفتند گوش کنید. صدای فریاد "تعزیز" زندانبانی بگوش می‌رسید که اتاق بازجویی آنها در همان طبقه بود. به ما گفتند اگر دست از نفاق و کفر بردارید همین بلاها را سر شما هم می‌آوریم. بعد چند نفر دیگر را

انتخاب کردند. یکی گفت: من اشتباهی دستگیر شده‌ام. او را بیشتر از همه کتک زدند. می‌گفتند: ما اشتباه نمی‌کنیم. اسلام و قدرت الهی ما را یاری می‌کند که هیچگاه اشتباه نکنیم. ما تمام خطاکاران را از همان دیداول می‌شناسیم. خلاصه تا صبح همین بساط برقرار بود."

"ساعت ۶ صبح اسم مرا خواندند. کسی که ما را آنجا گذاشته بود و رفته بود گفت: پشت سر من بیا. اول گفت خودت بیا. بعد که دید من با چشم بسته نمی‌توانم راه بیایم یک روزنامه برداشت، یک سر روزنامه را به دست من داد و گفت دنبالم بیا. گفت: اگر کمونیست نبودی راه ودالان و آشپزخانه و بهداری ردشدم، زنگ در کوچکی را زد. در باز شد و مرا تحویل داد. آنجا فوق العاده سرد بود... حتی جاروکش آنجا هم که پیرمردی بود حکم بازجو داشت. از کنار من که رد شد پرسید چه کاره بودی؟ گفتم: معلم. بلافاصله یک لگد محکم به من زد و گفت: ای سک... بی‌شرف. چند تا از بچه مسلمانها را به راه کفر و نفاق کشیده‌ای؟ خلاصه هر ننه قمری که از راه رسید از راه "دلسوزی و محبت" مشت و لگدی نثار من می‌کرد و می‌گذاشت. تا ساعت ۱۰ که دستم را گرفتند و به اتاقی بردند و روبه دیوار نشانده. علاوه بر سوال های سیاسی مشخصات تمام افراد درجه یک و درجه دو و درجه سه خانواده و فامیلم را با کرکی و وضعیت سیاسی و نوع تفکر آنها را می‌خواستند... آنها در رابطه با من چند تن از نزدیکانم را دستگیر و زیر شکنجه و بازجویی کشیده بودند. یک سری عکس از آلپوم خانوادگی من درآورده بودند و... بعد از یک سری جر و بحث با بازجو خودم را روی تختی یافتم که بالای آن به صورت منحنی و پایین آن تسه‌هایی برای بستن پاها و غیره بود. بعد با کابل به جان پاهای من افتادند... کابل زدن آنها بسیار حساب شده و وحشتناک است، یعنی از هر سانتیمتر مربع کف یا حداکثر استفاده را می‌کنند. هر ضربه را طوری می‌زنند که قسمت زیادی از پا را ناکار نکنند و به قسمت دیگر ضربه جدیدتر بزنند. کابل های آنها سه رشته شده بود و بر سر هر رشته یک تکه مس کرده بودند که ضربه کاری تر وارد شود و در عین حال جای زیادی را اشغال نکنند. چون بلافاصله جای ضربه شکافته می‌شد. آنها برای درهم شکستن شکار خود شدت عمل به خرج می‌دادند و این خیلی وحشتناک بود..."

"پاهایم را با باندهایی به رنگ جوراب زنانه بستند و چندروزی من را همانجا در راهرو انداختند. بعد به یک سلول انفرادی خیلی کوچک بردند که مجموعه این سلولها به بند ۲۰۹ معروف بود. سلول ما ۲ متر در یک متر بود با یک توالت فرنگی و یک دستشویی و در فوق العاده ضخیم فلزی و یک پنجره کوچک فلزی که از بیرون باز می‌شد و یک شیار نازک حدود ۱۰ سانت در پایین در (مثل محل پاکت انداختن در خانه‌ها) غذا را در بشقاب داخل آن شیار

می‌دادند. آنقدر غذا در بشقاب می‌ریختند که از آن شیار باریک بتواند رد بشود. ما پنج نفر بودیم و تقریبا همه ما در اثر وضع بد غذایی دچار یبوست های سنگین شده بودیم. هرکس که می‌خواست توالت بکند ناگزیر بود که در حضور دیگران این را انجام بدهد. ۴۰ نفر بقیه رویشان را به دیوار می‌کردند و بینی‌شان را محکم می‌گرفتند... هر ده سلول یک حمام کوچک (به اندازه یک سلول) داشت و یک محل هواخوری با سقف‌نرده‌ای مشبک - که روی آن راه ما با پلیثت سیمانی محکم پوشانده بودند و تبدیل شده بود به یک سلول. هر ده روز یکبار چشم‌ها را می‌بستند و به حمامی که شرح آن داده شد می‌بردند. فقط یک صابون می‌دادند و ده دقیقه وقت. بعد چشم‌بندها را می‌زدند و ما را به سلول برمی‌گرداندند. هوای سلول ها فوق العاده کثیف بود... در بند انفرادی ۲۰۹ در زند قذغن شده بود. باید یک روزنامه را از پایین در به بیرون سر می‌دادیم تا اگر پاسدارها آن را دیدند به سراغ ما بیایند. روزی حال یکی از همبندهای من که بیمار قلبی بود بد شد و رخیم شد. دستپاچه شدم و در را زدم. چند دقیقه بعد پاسدار آمد. همین من گفت قلمم ناراحت است. پاسدار گفت: به جهنم، اول بگوئید چه کسی در را زد؟ گفتم: من. مرا بیرون برد و لای در یک اتاق گذاشت و در را به شدت فشار داد و بعد از کلی بد و بیراهه که گفت و کتک مفصلی که به من زد (بطوری که دو تا از دندان هایم شکست) مرا به سلول بازگرداند..."

"... تا بالاخره یک روز گفتند وسائلت را جمع کن. مرا سوار ماشین کردند و پس از مدتی سواره و پیاده رفتن به جای دیگری تحویل دادند. اینجا مقررات سختی داشت. به هیچ وجه نمی‌توانستی سرت را کمی بالاتر بیاوری. یک هفته به همان ترتیب با چشم بسته در راهرو نشستیم. جز من تعداد زیادی در آنجا بودند. فقط روزی دوبار ما را به دستشویی می‌بردند. بعد فهمیدم که اینجا بند ۲۰۰ یا "توحید" و یا کمیته مشترک ضد خرابکاری است. در بند ۲۰۰ دانشا صدای داد و هوار و شلاق و کابل خوردن بلند بود. جلوی میز پاسدار توری راهرو یک سری احکام وجود داشت که قبلا از جانب حاکم شرع امضاء شده بود. کافی بود کسی حرف بزند و یا از زیر چشم بند نگاه کند. نامش روی یکی از این احکام نوشته می‌شد و شکنجه گران کارشان را آغاز می‌کردند..."

"پس از یک هفته من و چند نفر دیگر را به "اوین" برگرداندند. دربند معروف به ۲۶۸ یا آموزشگاه "شهید کجوشی" کمربندهای ما را باز کردند، کفش هایمان را گرفتند. یک پتو دادند و یک کاسه و یک بشقاب روئی و بلافاصله پول آنها را از ما گرفتند. برای کسانی که پول نداشتند قبض صادر کردند که بعد از ملاقات اول بدهی‌شان را بپردازند. بعد ما را به یک سالن بردند و داخل اتاق شدیم. یک اتاق ۴٫۵ در ۲٫۵ متر بود با ۲۸ نفر زندانی. به هر کس یک وجب و نیم جا برای خواب می‌رسید و هنگام خواب پاهای هرکس در سینه فردی قرار می‌گرفت که بقیه در ص ۷

سیاست مطبوعاتی

می‌سازد. در همین رابطه تظاهرات صلح خواهانه مردم، تفرغ آنها از جنگ و حتی اظهار تمایل برخی از نمایندگان مجلس و مسئولان ج.ا. در زمینه ضرورت پایان دادن به جنگ و مذاکره برای صلح، از جمله مسائلی است که توسط چشم و گوش های رژیم در این شبکه خبرپراکنی به شدت کنترل و سانسور می‌شود. امروزه دهها هزار نفر زندانی سیاسی در بدترین و سخت ترین شرایط به سر می‌برند، محاکمه فرمایشی مبارزان در دادگاه های در بسته انجام می‌شود و تا کنون هزاران نفر

گزارشی از زندانهای

روبروی خوابیده بود. این مشکل همیشگی ما بود. بعضی مواقع عده ما از چهل نفر هم بیشتر می‌شد و وقتی که تعداد پیرمردهای مریض زیاد می‌شد نوبت خوابی می‌کردیم. در این اتاق یک تلویزیون مدار بسته وجود داشت که از ساعت ۹ صبح برنامه های ویژه خود را پخش می‌کرد و همه ناگزیر بودند که تا ساعت ۱۲ (نیمه شب) بیدار بمانند. در اینجا روزی سه بار و هر بار ۱۵ دقیقه ما را به دستشویی می‌بردند. در این مدت کوتاه باید ظروف شسته میشد، دو تا دیگ تمیز می‌شد، سه نفر (نوبتی) لباس های زیرشان را می‌شستند... در هفته یک ساعت حمام برای چهل نفر...".

"هوای اتاق بسیار نامطبوع بود. یک روز یکی از مسئولان بالای زندان آمد و در اتاق را باز کرد. می‌خواست چیزی بگیرد اما بلافاصله بینی اش را گرفت و در را بست. بعد دستور داد در اتاق را کمی باز بگذارند ولی یک پرده پارچه ای آویزان کنند که کسی بیرون را نبیند...".

"هر ۲۱ روز به ۲۱ روز ۱۵۰ تومان و بعد ۲۰۰ تومان از خانواده ها قبول می‌کردند. چون همه چیز را باید با پول می‌خریدیم و اکثر اجناس مورد نیاز ما به قیمت بازار آزاد بود. ما ناچار بودیم چیزهایی مثل پولدر لباسشویی، صابون، قند، شکر، سیگار، نخ و سوزن، کاسه و بشقاب، کاغذ نامه، پاکت، تمبر، نمک، آب لیمو، میوه، پیاز و خلاصه همه چیز را با همان ماهی ۲۰۰ تومانی که برایمان می‌فرستادند بخریم. اگر تلویزیون هم خراب می‌شد، پول تعمیرش به عهده ما بود...".

"روزی ۱۵ تا ۲۰ دقیقه هواخوری داشتیم که اکثرا به جرائم گوناگون از آن محروم بودیم. به جرم پیدا کردن تکه های نان در پلاستیک زباله و یا در وقت دستشویی حمام کردن و یا خوابیدن در موقع پخش برنامه آموزشی تلویزیون مدار بسته و یا معطل شدن دربند به هنگام رفتن به هواخوری، هواخوری مفتفی می‌شد. و یا به ۶ صبح

فراخوان

خمینی و اعوان و انصارش می‌خواهند با عوامفریبی ادامه بیهوده جنگ خانمانسوز را "دفاع از اسلام" جلوه گر سازند ولی امروزه مردم ایران بیش از پیش به مقاصد شوم رژیم ضد خلقی برای ادامه جنگ پی برده و می‌برند و نقشه ایجاد "امپراطوری جهانی اسلامی" را که زائیده مخیله علیل مشتی جنگ طلب است، محکوم می‌کنند.

آیا کشته و زخمی و معلول شدن صدها هزار جوان و نوجوان ایرانی، آوارگی بیش از سه میلیون زن و مرد و کودک، ویرانی صدها روستا و شهر و بر باد رفتن میلیاردها ثروت ملی مردم ایران، برای رفع عطش این خونخواران کافی نیست که اکنون زنان و دختران جوان میهن ما را نیز به کشتارگاه می‌فرستند؟ مرتجعینی که زنان را از حقوق حقه خود در همه زمینه ها محروم کرده و حتی حق مادری او را به رسمیت نمی‌شناسند، اکنون برای سوء استفاده از زنان به عنوان میزبانی تنور جنگ و "رکلامی" برای تشجیع مردان به خودکشی بی پروا تر دم از "ارزش و جایگاه زن" می‌زنند و فرمان جدید خمینی را "نشانه موفقیت انقلاب در اعتلای اجتماعی زن" می‌خوانند.

خواهران، زنان صلح دوست ایران!

این جنگ بیهوده و مصیبت بار از نظر زنان و مردان ایرانی و عراقی محکوم است و باید هر چه زودتر خاتمه یابد. آموزش نظامی و رفتن به جبهه های جنگ را تحریم کنید!

اجازه ندهید جان و مال و امنیت شما و خانواده شما قربانی امپال توسعه طلبانه و خواست های جنون آمیز خمینی و دیگر رهبران جنگ طلب جمهوری اسلامی شود!

برای پایان دادن به جنگ و برقراری صلح بپاخیزید!

در هر جا و در هر موقعیت که هستید مخالفت خود را با ادامه جنگ ابراز کنید!

برای نیل به صلح و افشای توطئه جدید رژیم بردارنده اعتراضات و تظاهرات جمعی بپافزایید!

با اتحاد و اقدام مشترک پیروزی از آن شما خواهد بود.

ناپود باد جنگ - برقرار باد صلح!

ت. د. ز. ا. فروردین ۱۳۶۵

به اعدام و به حبس های ابد و دراز مدت محکوم شده اند. هر از چندی احکام تیرباران گروهی از مبارزان اجرا می‌شود. روزانه، بویژه در تهران و مراکز استان ها صدها نفر دستگیر و راهی شکنجه گاه ها می‌شوند، گروه زیادی از مبارزان تا کنون زیر شکنجه جان سپرده اند. کار خبرگزاری "جمهوری اسلامی جلوگیری از انتشار اینگونه خبرهاست. در شرایط کنونی بخش مهمی از کارخانه ها و مراکز تولید در اثر کمبود یا نبود ارز و تامین نشدن مواد اولیه در حال تعطیل و ورشکستگی هستند و هر روز صدها نفر کارگر از کار بیکار می‌شوند. از جمله در این رابطه صدها اعتصاب در کشور رخ داده است. سران ج.ا. از انتشار خبر اعتصاب ها و نیز تظاهرات مردم در گوشه و کنار کشور علیه رژیم به شدت وحشت دارند. رژیم با تمام قوا می‌کوشد که مانع انتشار خبرهای مربوط به بحران اقتصادی حاکم بر کشور، تورم افسار گسیخته، رشوه خواری مسئولان، حیف و میل بودجه و چگونگی بازگشت کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و پس دادن "اموال" آنها، غارت توده ها توسط تجار بزرگ بازار و دیگر غارتگران اجتماعی، افزایش در صدبیکاری، اعتیاد و دهها و دهها مسئله دیگر شود. "خبرگزاری ج.ا. چنین وظایفی را انجام می‌دهد و گاه گاه که پرده از جنایت های رژیم در سطوح مختلف برمی‌افتد، این "خبرگزاری" می‌کوشد تا قضیه را "ماستمالی" و رفع و رجوع کند. خلاصه آن که شبکه یاد شده مجری سیاست رژیم ضد مردمی است. در اینجا روی سخن ما با خبرنگاران و روزنامه نگاران متعهدی است که هنوز به آماج های انقلاب بهمن معتقدند. باید برای افشای رژیم، به حقایق پشت پرده دست یافت و واقعیت های ملموس و خبرهای واقعی را بصورت شینامه ها و نامه ها و به هر شکل ممکن دیگر با مردم و به ویژه زحمتکشان در میان گذاشت. همچنین هسته های حزبی باید حداکثر تلاش خود را بکار بندند تا با دستیابی به خبرهای موثق و واقعیت های پشت پرده و ارسال آنها برای "نامه مردم" به وظیفه انقلابی خود در آگاه ساختن مردم از جنایت ها و خیانت های رژیم، بیش از پیش عمل کنند. باید تلاش رژیم و شبکه خبرپراکنی آن را در جهت بی خبر نگاه داشتن توده های مردم و انحراف افکار عمومی، خنثی کرد.

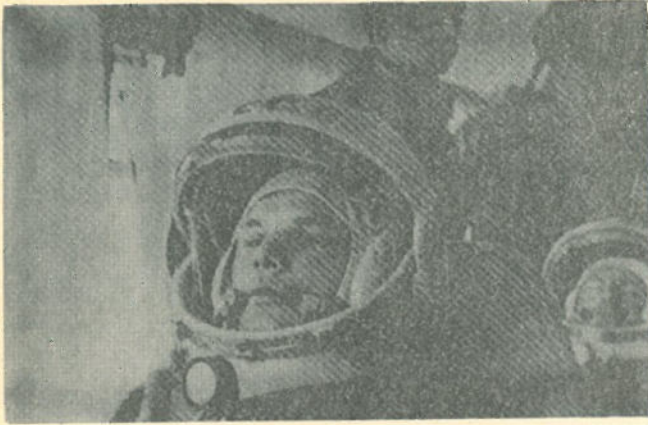
موکول می‌شد که همه خواب بودند و یا هوا سرد بود و نمی‌شد بیرون رفت...".

این کوشه کوچکی از گزارش یک زندانی سیاسی بود که به دلایل امنیتی از انتشار همه آن معذوریم. حنای سران ج.ا. مدت هاست که دیگر ج.ا. رنگی ندارد. موضوع حاکم بودن "یک

جو خجیلی آزاد" بر زندان ها دروغ و حشتناک و یا شوخی مسخره ای بیش نیست. باید برای آزاد ساختن زندانیان سیاسی مبارزه سازمان یافته و متحد خود را گسترش دهیم.

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل
نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

بیست و پنج سال از پرواز نخستین انسان به کیهان گذشت



خورد.

هنگامی که یوری گاگارین با سفینه کیهانی " وستوک " برای نخستین بار زمین را دور زد، دولت اتحاد شوروی پیامی خطاب به تمام مردم جهان منتشر ساخت. در این پیام آمده است: " ما این پیروزی را، پیروزی خلق ها و در خدمت ترقی، خوشبختی و رفاه مردم جهان می دانیم. ما کامیابی ها و کاوش های خودسرانه خود را نه در راه جنگ، بلکه در راه صلح و امنیت خلق ها به کار می گیریم."

روز ۱۲ فروردین مصادف با بیست و پنجمین سالروز پرواز پیروزمندانه انسان، انسان آموخته و پروده سوسیالیسم به فضا است. ۲۵ سال پیش در چنین روزی، یوری گاگارین، کیهان نورد کمونیست و فرزند خلق اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی راهگشای پرواز به سپهر بیکران شد.

گشایش دروازه های کیهان یکی از عظیم ترین دستاوردهای علم و فن بشری است که افتخار آن یا خطوط زرین به نام سوسیالیسم رقم خواهد

تازه ای را در نوادا انجام داد. دولت آمریکا هرروز با کامی ناپرخزادانه تر از روز پیش جهان را به لبه پرتگاه فاجعه هسته ای نزدیک ترمی کند.

پرزیدنت ریگان و همکارانش آشکارا نشان می دهند که قادر به درک واقعیات دنیای کنونی نیستند و هنوز با معیارهای حاکم بر فیلم های وسترن آمریکایی که در آنها " کابوی " اگر در کشیدن تپانچه پیشدستی کند، پیروز است، می اندیشند. ضمناً می خواهند بر سر مردم جهان همان بلایی را بیاورند که بر سر صاحبان اصلی سرزمین آمریکا یعنی سرخپوستان آوردند.

اینک بجز سران دولت صهیونیستی اسرائیل که در تضاد مستقیم با منافع واقعی زحمتکشان آن کشور، مجریان (البته مزدبگیر) توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه خلق های عرب شده اند، کمتر دولتی را می توان یافت که سخت نگران عواقب سیاست ماجراجویانه دولت ریگان نباشد. این روزها فاش شد که دولت آمریکا برای تحقق توطئه ضد لیبیبایی خود حتی کوشیده است دولت مصر را راضی به شرکت در تجاوز مشترک علیه لیبیبی کند، ولی حسنی مبارک سه بار از شرکت در چنین ماجراجویی سرباز زده است.

دولت آمریکا خودسرانه مناطق وسیعی از جهان را حوزه " منافع حیاتی " خود اعلام کرده و

نگاهی به رویدادهای جهان بازی ناپاک بر لبه پرتگاه جنگ

در نیمه دوم ماه مارس دولت رونالد ریگان همه آن امیدهای اندکی را که بدنبال دیدار سران اتحاد شوروی و آمریکا در ژنو، درباره بهبود اوضاع وخیم جهان و رفع شدن خطر فاجعه هسته ای پیدا شده بود تبدیل به یاس کرد.

البته تمام اقدامات دولت آمریکا در ماه های اخیر از قبیل ادامه دیوانه وارثدارک جنگ ستارگان، دیدار با سوسیالیسم، سردهسته راهزنان مزدور " سی-آی-ای " در آنکولا تشدید مداخله نظامی در افغانستان و تجهیز ضد انقلاب این کشور به موشک های مدرن زمین به هوا و بالاخره تجاوز تحریک آمیز به حریم دریایی لیبی، خود بیانگر ادامه سیاست از موضع زور و هوس های امپراطوری دولت کنونی آمریکا در صحنه جهانی است. اما سه گام خطرناکی که در پایان ماه گذشته برداشته شد دیگر قله بی مسئولیتی بود و مستقیماً صلح و امنیت جهانی را در معرض تهدید جدی قرار داد. صحبت بر سر آزمایش تازه هسته ای در صحرای نوادا، صحنه سازی مفتضح در مرزهای نیکاراگوئه و هندوراس برای علنی کردن تجاوز به نیکاراگوئه و بالاخره تحریکات بیشرمانه نظامی در آب های ساحلی لیبیبی و در چندین هزار کیلومتری خاک ایالات متحده آمریکا است.

اکنون تمام مردم جهان و حتی اکثریت اهالی آمریکا پی برده اند که به علت انباشت بیش از اندازه جنگ افزارهای هسته ای و شیمیایی و دیگر سلاح های کشتار جمعی در روی زمین، سیاره ما بسیار شکننده شده و برای حل مسائل مورد اختلاف، در شرایط کنونی باید تنها و تنها به گفتگوهای سازنده و مسالمت آمیز توسل جست و استفاده از نیروی نظامی را از قاموس زندگی بشر حذف کرد.

چندروز پیش ۲۵ دانشمند آمریکائی دارنده جایزه نوبل از رئیس جمهور آمریکا با پافشاری خواستند که از فرصت تاریخی پیدا شده برای پایان دادن همیشگی به آزمایش های هسته ای استفاده کند. آنان در فراخوان خود نوشتند: " ما شمارا سوگند می دهیم که همه آزمایش های هسته ای را تا دیدار بعدی سران و یا تا از سرگیری آزمایش ها توسط اتحاد شوروی قطع کنید."

اما گوش رئیس جمهور آمریکا و همکاران نزدیکش به این توصیه های ناشی از نگرانی برای سرنوشت جامعه بشری بدهکار نیست، روز دم آوریل وزارت جنگ آمریکا آزمایش هسته ای

از هرگونه دخالت علنی نظامی و غیر نظامی در امور داخلی دیگر کشورها ابا ندارد. حتی متحدان ناتوی آمریکا نیز از عواقب سیاست زورگویانه ریگان در امان نیستند.

دیگر تردیدی وجود ندارد که دولت رونالد ریگان با نیت پاک در دیدار سران اتحاد شوروی و آمریکا در ژنو شرکت نکرده و هدفی جز اغتنام و فریب افکار عمومی جهان برای تسریع برنامه باصطلاح " ابتکار دفاعی استراتژیک " یا جنگ ستارگان و نابودکردن زندگی در روی زمین نداشته است.

بدین ترتیب مبارزه برای صلح و امنیت جهانی در مقابل اقدامات بدون مسئولیت و دیوانه وار گردانندگان دولت کنونی آمریکا تبدیل به بزرگترین و مهمترین وظیفه روز کمونیست ها و دیگر مردمان شرافتمند و انساندوست در سراسر جهان می شود.



کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!

NAMEH
MARDOM
No: 98
P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden
17, April, 1986

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی است!